



ادرس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۶ آذر ۱۳۹۷

موضوع جزئی: مسأله ۱۱- وطی زوجة دبراً- بررسی روایات- طائفة اول: روایات مجوزة

مصادف با: ۱۹ ربیع الاول ۱۴۴۰

سال اول

جلسه: ۲۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد در مورد وطی المرأة دبراً، برخی قائل به جواز و برخی قائل به تحریم اند. استدلال هر دو گروه به برخی از آیات ذکر شد و اجمالاً مشخص شد که برخی از آیات دال بر جواز اند؛ اما آیه‌ای که دلالت بر تحریم کند، یافت نشد.

بررسی روایات

دلیل و مستند دیگر برای هر دو گروه، روایات است. از برخی روایات، جواز استفاده می شود و از برخی دیگر، منع استفاده می شود. اینجا روایات را جداگانه از منظر مجوزین و مانعین ذکر نمی کنیم؛ به طور کلی هر دو طایفه از روایات را مورد بررسی قرار می دهیم تا ببینیم نهایتاً آیا از روایات جواز استفاده می شود یا منع، یا اینکه راه دیگری وجود دارد.

طائفة اول: روایت مجوزة

طایفه اول، روایاتی است که دلالت بر جواز وطی مرأة دبراً دارد. چندین روایت در این طایفه وجود دارد.

روایت اول: روایت اول، صحیحه صفوان است: «قال، قُلْتُ لِلرَّضَا (ع) إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِيكَ أَمَرَنِي أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَهَابَكَ وَاسْتَحْيَا مِنْكَ أَنْ يَسْأَلَكَ عَنْهَا». می گوید: به امام رضا (ع) عرض کردم کسی از موالیان شما از من خواسته که از شما مسأله ای را سؤال کنم؛ چون خود او حیا و شرم داشت از اینکه آن مسأله را مستقیماً از شما سؤال کند. «قَالَ (ع) مَا هِيَ»، امام (ع) فرمود: آن مسأله چیست؟ «قَالَ قُلْتُ الرَّجُلُ يَأْتِي امْرَأَتَهُ فِي دُبُرِهَا؟»، آیا مرد می تواند با همسرش در دبر مواجهه داشته باشد؟ «قَالَ (ع) نَعَمْ ذَلِكَ لَهُ»، امام (ع) فرمودند: بله، می تواند و این برای او جایز است. «قُلْتُ وَأَنْتَ تَفْعَلُ ذَلِكَ»، می گوید من به امام رضا (ع) عرض کردم که شما هم این کار را می کنید؟ «قَالَ (ع) لَا إِنَّا لَا نَفْعَلُ ذَلِكَ»، امام (ع) فرمود: نه، ما این کار را انجام نمی دهیم.

در اینکه این روایت دلالت بر جواز می کند تردیدی نیست؛ چون امام (ع) صریحاً فرمودند: «نعم، ذلك له». اما در ادامه از امام (ع) پرسیده شده که آیا شما خودتان این کار را انجام می دهید یا نه؟ حضرت فرموده اند ما این کار را انجام نمی دهیم. برخی به این پاسخ امام (ع) استناد کرده و گفته اند این روایت دلالت بر کراهت دارد؛ در حالی که احتراز امام و اینکه امام می فرماید ما این کار را انجام نمی دهیم، دال بر کراهت نیست. برخی از کارها ممکن است جایز باشند اما با شأن و حیثیت برخی افراد سازگار نباشد. مثلاً روایتی در مورد متعه وارد شده که در آن از مشروعیت و جواز متعه سؤال شده است.

۱. تهذیب، ج ۷، ص ۴۱۵، ح ۱۶۶۳؛ کافی، ج ۵، ص ۵۴۰، ح ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۴۵، باب ۷۳ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱.

امام(ع) آن را مشروع دانسته‌اند. بعد از امام سؤال شده که آیا زنان شما هم این کار را انجام می‌دهند؟ امام(ع) می‌فرماید: نه، زنان ما این کار را انجام نمی‌دهند.

مواردی از این دست در روایات داریم که ظهور در آن دارد که یک فعل و عملی جایز است اما در عین حال خود ائمه اقدام و مبادرت به آن کار نمی‌کردند. اینکه ائمه بعضاً در رابطه با بعضی از امور می‌فرمایند ما این کار را نمی‌کنیم، یا حتی نزدیکان خود را از اتیان به بعضی از کارها منع می‌کردند، این دلیل بر کراهت آن عمل نیست بلکه دال بر این است که آن کار مطابق با شأن و موقعیت و حیثیت ائمه(ع) نبوده است. این نکته مهمی است که مخصوصاً ما [روحانیت] باید به این مسائل توجه کنیم. اینکه هر کاری جایز بود و حرام نبود مجوز و دلیل بر آن نیست که ما هم بتوانیم این کار را انجام دهیم. بعضی کارها خلاف شأن و خلاف عرف است؛ یعنی به حیثیت و شأن انسان لطمه می‌زند. لذا اگر امام(ع) اینجا می‌فرماید: «لَا إِنَّا لَا نَفْعَلُ ذَلِكَ»، دال بر کراهت و طی المرأة دبراً نیست؛ این کار می‌تواند برای دیگران مشروع و جایز باشد و حتی مکروه هم نباشد، اما در عین حال خود ائمه(ع) و نزدیکان آنها، از این کار اجتناب کنند. این نه به واسطه کراهت است، بلکه به واسطه آن است که به شأن و حیثیت آنها لطمه می‌زند. به عبارت دیگر، ممکن است به خصوص برای آنها کراهت داشته باشد؛ لذا شما می‌بینید که عموم افراد را از این کار منع نکرده‌اند و فقط فرموده‌اند ما این کار را انجام نمی‌دهیم.

سؤال:

استاد: بحث ما راجع به حکم این مسأله است؛ لعل این به خصوص برای امام مکروه باشد، اما کراهت به معنای کلی برای این عمل، ثابت نمی‌شود. کراهت برای مردم استفاده نمی‌شود. اینکه می‌فرماید: «لَا إِنَّا لَا نَفْعَلُ ذَلِكَ»، نهایتش این است که کراهت را برای خود امام(ع) ثابت می‌کند.

سؤال:

استاد: می‌گوییم از این روایت، کراهت و طی المرأة دبراً استفاده نمی‌شود. تنها چیزی که استفاده می‌شود، آن است که ائمه(ع) این کار را نمی‌کردند؛ اینکه ائمه(ع) این کار را نمی‌کردند، دلیل بر آن نیست که این کار مکروه است. چون ممکن است چیزی برای دیگران مکروه نباشد اما ائمه(ع) به دلایلی از آن اجتناب کنند.

روایت دوم: این روایت به دو طریق نقل شده است؛ هم از ابن یقطين روایت شده و هم از موسی بن عبدالملک. آن طریقی که ابن یقطين نقل کرده، ظاهرش این است که صحیحه است؛ اما طریقی که موسی بن عبدالملک نقل کرده، ارسال دارد. سند روایت این است: احمد بن محمد بن عیسی این روایت را به دو طریق از حضرت رضا(ع) نقل کرده است؛ یکی از طریق ابن یقطين است که یا منظور حسن بن علی بن یقطين است یا حسین بن علی بن یقطين. این دو نفر ثقه‌اند. طریق دوم، طریق موسی بن عبدالملک است؛ در برخی از کتاب‌ها اینطور نقل کرده‌اند: موسی بن عبدالملک عن رجل؛ معلوم نیست که این رجل کیست. ممکن است رجل در اینجا همان ابن یقطين باشد ولی نامی از او برده نشده است. به هر حال این روایت طبق یک نقل صحیحه است و طبق نقل دیگر مرسله است.

«قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) عَنْ إِتْيَانِ الرَّجُلِ الْمَرَأَةَ مِنْ خَلْفِهَا». می گوید از مواقعه مرد با زن من الخلف سؤال کردم. «فَقَالَ أَحَلَّتْهَا آيَةٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَوْلُ لُوطٍ هُوَ لَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ وَ قَدْ عَلِمَ أَنَّهُمْ لَا يُرِيدُونَ الْفَرْجَ».^۱ امام رضا (ع) فرمود: درباره مواقعه با مرأه من الخلف، از آیه ای از کتاب خدا که قول پیامبر را حکایت کرده، حلیت استفاده می شود. از این کلام لوط پیامبر معلوم می شود که این عمل جایز و حلال است. استدلال به این آیه را در زمره ادله مجوزین ذکر کردیم. لوط پیامبر به قومش فرمود: شما که به دنبال این هستید تا از مردان استمتاع کنید، اینان دختران من هستند و برای شما پاکیزه تر هستند، از آنان استمتاع بجوئید. این سخن لوط پیامبر به قومش - در حالی که می دانست مقصود آنها چیست و به دنبال مواقعه طبیعی نیستند - به این معناست که همان کاری که با مردان انجام می دهید، با زنان انجام دهید.

طبق این روایت، وطی المرأة دبراً جایز است. اگر این بیان امام (ع) نبود، قهراً همانطور که قبلاً گفتیم، خود آیه بخصوص، دلالت بر جواز نمی کند. چون لوط به قوم خودش می فرماید: چرا می خواهید به طریق غیر طبیعی و برخلاف طبیعت انسانی استمتاع بجوئید؟! این استمتاع را از طریق زنان دنبال کنید؛ کأن در مقام راهنمایی مردان به سوی استمتاع و التذاذ طبیعی از زنان است. اینجا نمی خواهد بگوید همان کاری که شما به دنبال آن هستید، با زنان انجام دهید؛ ما این اشکال را در استدلال به آیه عرض کردیم که از سخن لوط پیامبر چنین چیزی برداشت نمی شود. اما با توجه به اینکه روایت از قول امام (ع) وارد شده و امام (ع) آن را این چنین تفسیر کرده، می توانیم از این روایت جواز وطی المرأة دبراً را استفاده کنیم.

تقریباً سند و دلالت این دو روایت مشکلی ندارد؛ البته در صورتی که به نقل ابن یقطين اعتماد کنیم، روایت دوم صحیحه است. اما طبق نقل موسی بن عبدالملک، مرسله است و مشکل ارسال دارد.

روایت سوم: روایت عبدالرحمن بن حجاج است. «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ ذَكَرَ عِنْدَهُ إِتْيَانُ النِّسَاءِ فِي أَدْبَارِهِنَّ، فَقَالَ: مَا أَعْلَمُ آيَةً فِي الْقُرْآنِ أَحَلَّتْ ذَلِكَ إِلَّا وَاحِدَةً إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ».^۲ عبدالرحمن بن حجاج می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم در حالی که بحث اتیان النساء فی الادبار بود. امام (ع) فرمود: من آیه ای از قرآن را که دلالت بر حلیت این عمل داشته باشد، نمی شناسم جز یک آیه که همان آیه مربوط به قوم لوط است.^۳ اینکه امام (ع) می فرماید: من یک آیه در قرآن سراغ دارم که دلالت بر جواز و حلیت این عمل می کند جز یک آیه، دال بر جواز است؛ پس معلوم می شود وطی المرأة دبراً جایز است. منتهی امام (ع) در اینجا فرموده که یک آیه از آیات قرآن دلالت بر این عمل دارد.

روایت چهارم: روایت عبدالله بن ابی یعفر است. «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَرَأَةَ فِي دُبُرِهَا قَالَ لَا بَأْسَ إِذَا رَضِيَتْ». از امام صادق (ع) سؤال کردم: آیا مرد می تواند در دبر زن اتیان داشته باشد؟ حضرت فرمود: اگر زن راضی باشد اشکالی ندارد. «قُلْتُ: فَأَيْنَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاتَوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ»، می گوید به امام عرض کردم: پس این چیست که خدا می فرماید به زنان اتیان کنید از آن راهی که خداوند به آن امر کرده است. «قَالَ هَذَا فِي طَلَبِ الْوَلَدِ فَاطْلُبُوا الْوَلَدَ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ».^۴ امام (ع) فرمود: منظور خداوند

۱. تهذیب، ج ۷، ص ۴۱۴، ح ۱۶۵۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴۶، باب ۷۳ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۳.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۲، ح ۵۶؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴۸، باب ۷۳ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱۲.

۳. اعراف: ۸۲.

۴. تهذیب، ج ۷، ص ۴۱۴، ح ۱۶۵۷؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴۶، باب ۷۳ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۲.

این است که هرگاه خواستید بچه دار شوید و طلب ولد کنید، از آن طریقی که خدا فرموده طلب کنید؛ چون خداوند فرموده: زنان شما کشتزارهای شما هستند.

سؤال:

استاد: می‌خواهد بگوید اتیان بالنساء، انواع و اقسام و مصادیق متعددی دارد. اینکه سؤال کرده که آیا در دبر جایز است یا نه، امام(ع) در پاسخ فرموده اشکالی ندارد. کأن در ذهنش همان چیزی بوده که در ذهن شماست؛ آیه می‌گوید «فأتوهن من حیث امرکم الله»؛ ظاهر این آیه آن است که این مشروعیت و حلیت فقط مربوط به همان طریق طبیعی است. امام(ع) می‌فرماید: اینکه خدا فرموده «فأتوهن من حیث امرکم الله» یعنی اگر می‌خواهید طلب ولد کنید، از این طریق اقدام کنید. درست است معمولاً می‌دانند ولی کأن خدا با یک زبان کنایی مؤدبانه، می‌خواهد بفرماید شما می‌توانید با زنان این عمل را داشته باشید و از این طریق بچه دار شوید. کأن یکی از طرق و فلسفه‌های ازدواج و نکاح، همین طلب ولد است. کأنه به مهم‌ترین فایده نکاح اشاره می‌کند؛ اینکه نسل باقی بماند.

روایت پنجم: نظیر همین روایت از ابن ابی یعفر نقل شده که این ذیل را ندارد. «عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَرْأَةَ فِي دُبُرِهَا قَالَ (ع) لَا بَأْسَ بِهِ»^۱. در این روایت، آن دنباله و سؤال بعدی ذکر نشده است. ظاهر آن است که این روایت با روایت قبلی یکسان است و بعید است که دو روایت باشد. درست است که برخی مثل صاحب جواهر، قائل به تعدد روایت شده‌اند؛ ایشان در جواهر^۲ کأن اینها را دو روایت مستقل حساب کرده است. اما به نظر می‌رسد مروی عنه (امام) یکی است و سائل و روای هم یکی است، موضوع نیز یکسان است و بخشی از روایت عیناً همان نقل دیگر است؛ لذا به نظر می‌رسد همه قراین دال بر این است که این دو روایت یکی است. ممکن است در یک موقعیتی کامل‌تر نقل شده و در موقعیت دیگر بخشی از آن نقل شده است. علی‌ای حال این روایت از ابن یعفر نقل شده است.

نکته دیگر اینکه سند این روایت مورد قبول است؛ تنها مسأله‌ای که وجود دارد در مورد علی بن اسباط است؛ احمد بن محمد بن عیسی عن علی بن اسباط عن محمد بن عمران عن عبدالله بن ابی یعفر. تنها مسأله در مورد علی بن اسباط آن است که وی فطحی بوده است. برخی مثل نجاشی معتقدند که او از فطحی بودن عدول کرده^۳ و برخی این عدول را در مورد او نپذیرفته‌اند. اما اگر فطحی هم باشد، مسلماً ثقّه است؛ لذا به اعتبار وثاقت او، این روایت مورد قبول و معتبر است. پس این دو روایت سنداً و دلالتاً اصل جواز را فی الجمله ثابت می‌کند. منتهی همانطور که ملاحظه فرمودید، در یک نقل قید «إذا رضیت» دارد؛ یعنی کأن جواز را مشروط به رضایت زن کرده است. در نقل دیگر این اشتراط وجود ندارد.

ملاحظه فرمودید که از این چهار روایت، سه روایت اصل جواز و مشروعیت را بدون هیچ قید و شرطی بیان کرده‌اند و تنها این روایت است که یک قیدی دارد و آن هم رضایت مرأه است. اینها را در ذهن داشته باشید تا ما روایات دال بر منع را هم بخوانیم.

^۱. تهذیب، ج ۷، ص ۴۱۶، ح ۱۶۶۶؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴۷، باب ۷۳ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۶.

^۲. جواهر، ج ۲۹، ص ۱۰۳.

^۳. رجال نجاشی، ص ۲۵۲، رقم ۶۶۳.

روایت ششم: مرسله حفص بن سوجه عن أخبره است. «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي أَهْلَهُ مِنْ خَلْفِهَا قَالَ هُوَ أَحَدُ الْمَأْتِيَيْنِ فِيهِ الْغُسْلُ». ^۱ از امام صادق (ع) درباره مردی سؤال کردم که اتیان به مرأه می‌کند من خلفها. امام (ع) فرمود: این یکی از دو طریقی است که می‌تواند اتیان کند. امام (ع) فرموده این راه اشکالی ندارد ولی غسل دارد. معنایش آن است که فیہ الغسل ولو لم یخرج المنی؛ یعنی کأن اصل الدخول موجب غسل است ولو اینکه منی خارج نشود.

دلالت این روایت بر جواز، واضح و روشن است. فقط مرسله بودن آن، به حسب ظاهر می‌تواند محل اشکال باشد که این نیز با توجه به اینکه ناقل و راوی از حفص، ابن ابی عمیر است که از اصحاب اجماع می‌باشد، مشکل را برطرف می‌کند. اگر بپذیریم که روایات اصحاب اجماع معتبر است و آنها از ثقات نقل می‌کند، مشکل ارسال در اینجا برطرف می‌شود. چون در سند اینطور آمده: حسین بن سعید عن ابن ابی عمیر عن حفص. لذا مسأله ارسال در اینجا طبق این مبنا که روایات اصحاب اجماع معتبر است، مشکلی ندارد.

بحث جلسه آینده: چند روایت دیگر باقی مانده که إن شاء الله جلسه بعد بررسی خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. تهذیب، ج ۷، ص ۴۱۴، ح ۱۶۵۸؛ استبصار، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۸۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴۷، باب ۷۳ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۷.